

بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی (شهر اصفهان در سال ۱۳۸۴)

دکتر رسول ربانی*، دکتر منصور حقیقتیان** و محمد اسماعیلی***

چکیده

عمدتاً شهر به مکانی گفته می‌شود که در آن اصول و حقوق شهروندی نهادی شده و شهروندان نسبت به حقوق خود واقفند و راعی مسئولیتهای خویش می‌باشند. حقوق شهروندی مجموعه قواعد و قوانینی است که زمینه‌ساز ورود شهروندان به عرصه‌های مختلف اجتماعی جامعه است. از این رو، تمایلات و روابط اجتماعی افراد منطبق بر آن ترسیم می‌شود. در این راستا، عوامل اجتماعی فرهنگی نیز نقش مؤثری در آگاهی یا عدم آگاهی شهروندان از حقوق خود ایفا می‌کند. هدف این مقاله بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر آگاهی افراد نسبت به حقوق شهروندی در شهر اصفهان می‌باشد.

روش تحقیق از نوع اسنادی و پیمایشی است. با مراجعه به اسناد و مدارک و تهیه پیشینه‌های مطالعاتی و انجام مصاحبه‌های مختلف با شهروندان اقدام به تهیه پرسشنامه گردیده و با

* عضو هیأت علمی دانشگاه اصفهان.

** عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان.

*** کارشناس ارشد جامعه شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان.

انتخاب حجم نمونه ۳۶۸ نفر در مناطق دهگانه اصفهان پرسشنامه توزیع، جمع آوری و داده‌های آن استخراج شده است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین عوامل اجتماعی - فرهنگی با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی رابطه معناداری وجود دارد. مهمترین عوامل اجتماعی - فرهنگی شامل آموزش‌های اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، حضور در عرصه‌های عمومی، طبقه اجتماعی، تحصیلات و شغل بوده است. بطور کلی ملاحظه می‌شود که هر چه میزان استفاده از آموزش‌های اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی بیش تر باشد و طبعاً افراد از میزان تحصیلات بالایی برخوردار باشند، به همان مقدار نیز حضور جدی در عرصه‌های اجتماعی دارند و می‌توانند از حقوق شهروندی خود آگاه گردند.

واژه‌های کلیدی: حقوق شهروندی، عوامل اجتماعی-فرهنگی، روابط اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، مشارکت اجتماعی، طبقه اجتماعی، شغل

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع (پیمایشی Survey) و اسنادی می‌باشد. در بخش میدانی، اقدام به تکمیل پرسشنامه با حجم ۴۳ سؤال در دو قسمت عوامل اجتماعی - فرهنگی و حقوق شهروندی پرداخته شده است. میزان تعیین پایائی پرسشنامه بر اساس ضریب آلفای کرونباخ یعنی ۰/۹۸۲۶ برای گویه‌های عوامل اجتماعی، فرهنگی و ۰/۸۴۴۶ برای گویه حقوق شهروندی حاصل شده است. جامعه آماری شامل کلیه شهروندان سنین ۱۵-۱۸ سال به بالای شهر اصفهان بوده که بر طبق سرشماری سال ۱۳۷۵، ۲۴۳۱۰۰ نفر می‌باشند (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۶). با توجه به فرمول کوکران حجم نمونه ۳۶۸ نفر با استفاده از شیوه‌های نمونه‌گیری منطقه‌ای و اتفاقی انتخاب شده‌اند. برای تحلیل داده‌ها نیز از شیوه‌های آماری در سطوح توصیفی (فراوان، درصد و میانگین) و استنباطی (ضریب همبستگی Eta، پیرسون، رگرسیون ساده و چندگانه و تحلیل مسیر) استفاده شده است.

مقدمه

شهروندی عمدتاً مجموعه‌ای از حقوق و تعهدات است. «حقوق شهروندی» به عنوان جزئی بسیار مهم از مقوله شهروندی در ابعاد مختلفی نظیر حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، جنسی،

فرهنگی و ... مطرح می‌شود. حقوق شهروندی به ویژه در بعد سیاسی اش مشارکت برای سازمان‌دهی اجتماعی است که فرد در آن زندگی می‌کند، و شامل مجموعه‌ای از حقوق خصوصی و عمومی است که به روابط اجتماعی شکل می‌دهد. نگاه بشر به وضعیت حقوق شهروندی به لحاظ نظری و عملی به دوران باستان (یونان و روم) بر می‌گردد. اما تحول اساسی این مقوله در رشد و توسعه آن از دوران جدید آغاز شده و طی چندین دهه افزایش یافته است. اینک، حقوق شهروندی در ممالک پیشرفته، دوران نهادینگی خود را طی نموده یا در حال طی کردن است. در حالیکه حقوق شهروندی در کشورهای در حال توسعه، مفهومی نوپدید محسوب می‌شود. به نظر برخی از صاحب‌نظران علوم اجتماعی، حقوق شهروندی در نتیجه مبارزات و حرکت‌های اجتماعی ظهور نموده و توسعه می‌یابد. برخی دیگر نیز به نقش اندیشه‌ها و افکار، زمینه‌ها و شرایط اجتماعی، ارتباطات و ... معتقد هستند. آنچه مسلم است، توسعه حقوق شهروندی در اجتماعاتی که هنوز این موضوع در مراحل تکوین خود قرار دارد، مستلزم توسعه آگاهی افراد جامعه به عنوان عاملی بنیادین است. آگاهی افراد از حقوق شهروندی نخستین عامل در تسهیل ارتباط صحیح ملت و دولت و روابط متقابل و تعاملات اجتماعی افراد در جامعه است. بدون آگاهی، هیچ تغییری در این زمینه مشاهده نخواهد شد، و شرایط مناسب برای مشارکت افراد در سرنوشت سیاسی - اجتماعی خویش فراهم نمی‌شود. حتی قانون به عنوان عاملی در بروز و نهادینگی حقوق شهروندی، بدون آگاهی افراد جامعه تحقق پذیر نیست. بر این اساس، اگر چه آگاهی افراد اجتماع از هر مقوله اجتماعی، تنها عامل تعیین کننده در اجرا و تثبیت آن محسوب نمی‌شود، اما نخستین عامل اساسی در هر گونه دگرگونی و خواست عمومی به شمار می‌آید. مادامی که میزان آگاهی افراد یک جامعه از حقوق شهروندی خود، در ابعاد مدنی، اجتماعی و سیاسی، در سطح مناسبی نباشد، نه توانایی و پشتوانه‌ای نظری جهت مشارکت فعال در امور مختلف جامعه خواهند داشت، و نه قدرت ابلاغ خواسته‌های عمومی خود به حاکمیت سیاسی را دارند. از سوی دیگر، آگاهی اجتماعی خود به خود و بدون پشتوانه حادث نمی‌شود. عواملی متعدد از جمله عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ... در میزان و روند آگاهی‌های اجتماعی افراد جامعه مؤثر هستند. در این میان، عوامل اجتماعی - فرهنگی اهمیت ویژه‌ای دارند. زیرا در صورتی که شرایط اجتماعی - فرهنگی برای آگاهی افراد جامعه فراهم نشود، توسعه آگاهی افراد نیز با موانع جدی مواجه خواهد بود. لذا، ملاحظه می‌شود که بین عوامل اجتماعی - فرهنگی با میزان آگاهی

افراد از حقوق شهروندی رابطه جدی وجود دارد و طبعاً متغیرهایی همانند آموزشهای اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، مشارکت افراد در عرصه‌های عمومی، طبقه اجتماعی، جنس، سن، تحصیلات و شغل با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی ارتباط دارد.

دیدگاهها و نظریه‌ها

نقطه عطف اندیشه‌های حقوق شهروندی به عصر باستان بر می‌گردد. افلاطون^۱ را می‌توان بنیانگذار اندیشه‌های حقوق شهروندی در عصر باستان دانست. به زعم او طبقه حکمرانان و جنگاوران حق فرمانروایی بر جامعه را دارند، اما طبقه تولیدکنندگان (برندگان و بیگانگان) از حقوق شهروندی برخوردار نیستند. اما ارسطو^۲ معیار اساسی حقوق شهروندی را حق رأی در انجمن نمایندگان و شرکت در اداره عموم جامعه دانسته است (قاسمی‌نژاد، ۶: ۱۳۷۷). حقوق شهروندی در دوران قرون وسطی با رشد کندی مواجه شد، اما در دوران رنسانس از سوی اندیشمندان زیادی مورد توجه قرار گرفته است:

نیکلوماکیاولی^۳ با ارائه اندیشه‌هایی در تشکیل دولت - ملت در فراهم نمودن مقدمات اولیه این اندیشه مداخله داشت. این ایده از جهت ارائه مصداق عینی به دولت - ملت‌های متحد به عنوان ظرف حقوق شهروندی مهم تلقی می‌شود. پس از ماکیاولی، توماس هابز^۴ پل ارتباطی مهمی در تاریخ شهروندی است. او اندیشه فردگرایی که مبنایی از مبانی اصلی حقوق شهروندی است را فراهم کرد (فالکس، ۱۵۰: ۱۳۸۱). جان لاک^۵ نیز توسعه دهنده افکار هابز در فردگرایی بوده و از فراهم کنندگان توجه عینی به حقوق شهروندی در انقلاب کبیر فرانسه بود. این نقش لاک با حضور اندیشه‌های منتسکیو^۶ در حقوق سیاسی و مدنی شهروندان با شعارهای برابری، برادری و آزادی نقش مضاعف به خود گرفت (منتسکیو، ۱۶۰: ۱۳۶۲). اندیشمند دیگری که در تداوم اندیشه‌های حقوق شهروندی عصر رنسانس چهره درخشانی دارد، ژان ژاک روسو^۷ می‌باشد. او با بیان تئوری قرارداد اجتماعی نقش موثری در ایده حاکمیت‌های مردمی به عنوان ظرف اساسی حقوق

-
1. Plato
 2. Aristotle
 3. Niccolo Machiavali
 4. Tomas Hobbs
 5. John Luck
 6. Charles Louis De Secondet Baron De Montesquieu
 7. Jean Jacques Rousseau

شهروندی برداشته است. در این زمینه امانوئل کانت نیز به اراده عمومی که نقشی در حقوق شهروندی دارد، توجه کرده است (پولادی، ۱۲۶: ۱۳۸۲). در مکتب سودگرایسی، دیدگاه جان استوارت میل^۱ در خصوص حقوق شهروندی حائز اهمیت است. استوارت میل به حمایت از حقوق زنان، آزادی، قانون انتخابات همگانی و ... به عنوان اصولی از حقوق شهروندی می‌پردازد (صناعی، ۷۹: ۱۳۷۹). اندیشمندان قرن نوزده و بیست میلادی افکار و اندیشه های حقوق شهروندی را توسعه داده‌اند. الکسی دو توکویل^۲ نیز به نقش شوراها و انجمن‌های شهری در حکومت‌های پارلمانی اشاره می‌کند (آرون، ۶۵۰: ۱۳۸۱). این نهادها در بنیان‌گذاری و توسعه حقوق شهروندان در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی مؤثر می‌باشند. امیل دورکیم^۳ از بنیانگذاران جامعه‌شناسی حقوق، به ابعاد فردی و اجتماعی حقوق شهروندان پرداخته‌است. تعریف ماکس وبر^۴ از شهر به عنوان سکونتگاهی که دارای دادگاه مدنی، اشکال مختلف انجمن و استقلال نسبی و حقوق سیاسی شهروندان است حائز اهمیت می‌باشد (پیران، ۱۰۶: ۱۳۷۰). تی. اچ. مارشال^۵ از اندیشمندانی است که در نیمه دوم قرن بیستم به طور اختصاصی به مقوله حقوق شهروندی پرداخته است. او را می‌توان رأس قله هرم حقوق شهروندی دانست. وی حقوق شهروندی را شامل حقوق سیاسی، مدنی و اجتماعی می‌داند (دیویدسون و ۱۷۰: ۱۳۸۲). از جمله کسانی که تحت تاثیر افکار مارشال قرار داشت تالکوت پارسونز^۶ می‌باشد که دیدگاههای او از جهت توجه به حقوق اقلیت‌های آفریقایی و آمریکایی تبار حائز اهمیت است (کیویستو، ۹۹: ۱۳۸۰). در بین مکاتب سیاسی، لیبرال‌ها بیشتر پایند حقوق شهروندی، تا وظایف شهروندی هستند، اما این پایندی نتوانسته است تمام ابعاد حقوق شهروندان را تأمین کند. اما برداشت مارکسیستی از حقوق شهروندی بر جمع‌گرایی (نه فردگرایی لیبرالیستی غربی) متکی است. دیدگاه اندیشمندان مکتب انتقادی در خصوص حقوق شهروندی نیز مهم به شمار می‌آید. یورگن هابر ماس^۷ در نظریه کنش ارتباطی به مفهوم اخلاق‌گفتمانی از طریق مفاهیم و ارتباط در جامعه مدنی اشاره می‌نماید، و معتقد به تأمین حقوق شهروندی در جامعه مدنی است (فیلیو جرگک، ۶: ۱۳۷۷). دارندورف، شهروند را ایده مهمی دانسته که طی قرن‌ها موتور پویای

1. John Stuart Mill

2. Alexis De Tocqueville

3. Emile Durkheim

4. Max Weber

5. T.H. Marshal

6. Talcott Parsons

7. Jurgen Habermas

حرکت گروه‌های محروم بوده است (شیانی، ۸۱: ۱۳۸۱). یکی از جدیدترین رویکردهای تئوریک در خصوص حقوق شهروندی اندیشه‌های پست مدرن است. در دوران پست مدرن ایده‌های جدیدی از حقوق شهروندی مطرح شد که در این راستا، می‌توان به ایده‌های افراد ذیل توجه نمود.

آنتونی گیدنز^۱ معتقد به نقش مبارزات اجتماعی در دسترسی به حقوق شهروندی است و رابرت دال^۲ وجود ساختارهای دموکراتیک را برای رفع حقوق شهروندان ضروری می‌داند (فیلیو جرج، ۶: ۱۳۸۱). به عقیده لوئیس. ای. فریدلند، تکنولوژی جدید، گوهر دموکراسی را تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب نوعی جدید از شهروندی می‌گردد که تابع مسئولیت‌ها و حقوق شهروندی متفاوت از ادوار قبلی بشر می‌باشد (www Ayanden Negar : ۱۳۸۲). از اندیشمندان دیگر پست مدرن در زمینه حقوق شهروندی، برایان. اس. ترنر^۳ است. ترنر رابطه شهروندی، حقوق، تأثیر دو جانبه دولت و شهروند و کارکرد های شهروند در جامعه و تاریخ را مورد بررسی قرار داده است (ترنر، ۶: ۱۳۶۷). به نظر برخی صاحب‌نظران، جهانی شدن زمینه لازم جهت تبدیل حقوق شهروندی به حقوق بشر را فراهم ساخته است، درحالی‌که برخی دیگر به این ایده معتقد نیستند. فمینیسم^۴ نیز حقوق شهروندی را در حمایت از حقوق زنان مطرح کرده است. به طور مثال فرس معتقد است در انقلاب کبیر فرانسه زنان به طور فعال در مبارزات شرکت داشتند اما بعد از حقوق شهروندی محروم ماندند (فریدمن، ۵۱: ۱۳۸۱). نتایج برخی از پژوهش‌های خارجی در خصوص حقوق شهروندی نیز قابل توجه است. پژوهش کاپوری^۵ درک نادرست جامعه میزبان (تورنتو کانادا) از جامعه مهاجر کاتولیک (ایتالیایی) را موجب تفاوت در حقوق شهروندی و برخوردهای تبعیض آمیز دانسته است (کاپوری، ۴۳۹: ۲۰۰۳). شبلی^۶ به عدم دستیابی زنان به مساوات و تساوی حقوق در نیروی کار و حفظ حقوق شهروندی، حقوق بشر، آزادی بیان، حق رای و نمایندگی سیاسی تحت فشارهای مذهبی در کشور لبنان اشاره می‌نماید (شبلی، ۱۰۰: ۲۰۰۴). اسولیان^۷ به راههایی که موجب هویت و فرهنگ اروپائی مشترک می‌گردد و فرایندهای قانونی، اقتصادی، سیاسی که موجب یکپارچگی اروپائی می‌شود به عنوان

1. Anthony Giddens
2. Rabert Dall
3. B. S. Turner
4. Feminism
5. Capuri, V.
6. Schebley, B
7. Osullivan, S. C.

ایجاد یک شهروندی اروپایی پرداخته است (سولیوان، ۱۶۲۹: ۲۰۰۳). پژوهش اسکات^۱ به رابطه بین حقوق انسانی و توسعه انسانی به عنوان اصولی مرتبط به یکدیگر مبادرت نموده است (اسکات، ۱۶۹۴: ۲۰۰۳). پژوهش‌های شیانی، کارگر شورکی، غلامی، عبدالله خان گرجی نیز در ایران به ترتیب در خصوص وضعیت شهروندی در لرستان، لزوم آموزش حقوق شهروندی، اختیارات دولت در حقوق فرد و اجتماعی و تدوین لایحه حقوق شهروندی گام برداشته اند.

بررسی و تحلیل داده‌ها

نتایج حاصل از داده‌های آماری پژوهش در دو سطح عمده توصیفی و استنباطی حاصل پژوهش حاضر با هشت فرضیه به بررسی میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی در شهر اصفهان پرداخته است و از ارائه جداول توصیفی داده‌های پژوهش صرف نظر شده است، اما در بحث از نتایج استنباطی پژوهش به یافته‌های توصیفی آن که از ضرورت تبیین و تحلیل نتایج به شمار می‌آید، اشاره می‌شود.

یافته های فرضیه شماره یک

فرضیه شماره یک تحت این عنوان تدوین شده است «میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی، تابع میزان آموزش‌های اجتماعی آنان است. جدول ذیل بیانگر نتایج استنباطی فرضیه شماره یک می باشد:

جدول ۱: بررسی رابطه بین میزان آموزش‌های اجتماعی افراد با میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

متغیر وابسته	متغیر مستقل
میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	میزان آموزش‌های اجتماعی
$r = ۰/۸۵۲$	
$P = ۰/۰۰۰$	
$n = ۳۶۸$	
$r^2 = ۰/۷۲۵$	

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، ضریب همبستگی بین میزان آموزش‌های اجتماعی افراد با میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی در سطح خطای $p \leq 0/01$ معنی‌دار است. میزان رابطه بین دو متغیر آموزش‌های اجتماعی افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی $r=0/852$ که بیانگر وجود همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور می‌باشد. همچنین، ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۷۲٪ از نمرات مربوط به میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی به وسیله عامل میزان آموزش‌های اجتماعی تبیین می‌شود. در حقیقت آموزش‌های اجتماعی مورد نظر یعنی تبلیغات سازمان‌ها و موسسات دولتی و خصوصی و نیز آموزش‌های غیر رسمی نهادهای اجتماعی که از سوی سازمان‌های مختلفی نظیر؛ مراکز وابسته به آموزش و پرورش، نهادهای مردمی (NGO)، شهرداری، اتوبوسرانی، نیروی انتظامی، شورای شهر، خانواده، مساجد و ... انجام می‌شود، می‌تواند در راستای رشد و توسعه آگاهی‌های افراد از حقوق شهروندی گام بردارد. البته از نتایج توصیفی این فرضیه بر می‌آید که میزان آموزش‌های اجتماعی در خصوص حقوق شهروندی، چندان گسترده نبوده و در حد متوسط برآورده شده است، که لزوم توجه به آموزش‌های اجتماعی را ضروری می‌نماید. از سوی دیگر، نتایج این فرضیه با دیدگاه‌ها و جوانب تشویریک پژوهش همخوانی دارد. به عبارت دیگر این نتیجه با دیدگاه اندیشمندانی همانند؛ رابرت دال مبتنی بر وجود مؤلفه‌هایی در جامعه مدنی که از عناصر ارتقاء شهروندی محسوب شده و باید اشخاص بالغ از آن بهره‌مند گردند، مطابقت دارد.

یافته‌های فرضیه شماره دو

فرضیه شماره دو تحت این عنوان تدوین شده است «میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تابع میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی آنان است. جدول ذیل بیانگر نتایج استنباطی فرضیه شماره دو می‌باشد:

جدول ۲: بررسی رابطه بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی با میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

متغیر وابسته	متغیر مستقل
میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی
$r = ۰/۸۵۷$ $P = ۰/۰۰۰$ $n = ۳۶۸$ $r^2 = ۰/۷۳۴$	

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، ضریب همبستگی بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی افراد با میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی در سطح خطای $P \leq ۰/۰۱$ معنی دار است. میزان رابطه بین دو متغیر استفاده از وسایل ارتباط جمعی افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی $r=0.857$ است که بیانگر وجود همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور می باشد. همچنین، ضریب تعیین نشان می دهد که ۷۳٪ از نمرات مربوط به میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوسیله عامل میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی تبیین می شود.

در واقع دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی سمعی و بصری نظیر، رادیوهای داخلی و خارجی، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، سینما، روزنامه ها، کتب، مجلات، عکس ها و تصاویر و ... می تواند منجر به افزایش آگاهی افراد از اصول حقوق شهروندی در ابعاد حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی گردد. البته همانطور که در نتایج توصیفی ذکر شده است، میزان دسترسی و استفاده از وسایل ارتباط جمعی در خصوص شهروندی در سطح تقریباً متوسطی بوده است، که مسلماً نمی تواند گسترش آگاهی های اجتماعی وسیعی را به دنبال داشته باشد. از سوی دیگر، نتایج این فرضیه با دیدگاه و رهیافت های تئوریک پژهش مطابقت دارد. به دیگر سخن، این یافته های، پژوهش با دیدگاه صاحب نظرانی چون؛ فرید لند و ویلیامز، مبنی بر اینکه حقوق اساسی شهروندی برای گفتگو کردن، یا ابزار عقیده و شنیدن حرف های دیگران ارتباط محکم و زنجیره واری با توانایی دریافتی و انتقال اطلاعات دارد، و نیز این دیدگاه که حقوق اساسی شهروندی با ساختار زیر بنایی ارتباطات دارای رابطه است، مطابقت دارد.

یافته های فرضیه شماره سه

فرضیه شماره سه تحت این تدوین شده است «میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تابع میزان مشارکت در عرصه های عمومی آنان است».

جدول ذیل بیانگر نتایج استنادی فرضیه شماره سه می باشد:

جدول ۳: بررسی رابطه بین میزان مشارکت در عرصه های عمومی افراد با میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	متغیر وابسته متغیر مستقل
$r = ۰/۸۷۳$ $P = ۰/۰۰۰$ $n = ۳۶۷$ $r^2 = ۰/۷۶۲$	میزان مشارکت در عرصه های عمومی

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، ضریب همبستگی بین میزان مشارکت در عرصه های عمومی افراد با میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی در سطح خطای $P \leq ۰/۰۱$ معنی دار است. میزان رابطه بین دو متغیر مشارکت در عرصه های عمومی افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی $r = ۰/۸۷۳$ است که بیانگر وجود همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور می باشد. همچنین، ضریب تعیین نشان می دهد که ۷۶٪ از نمرات مربوط به میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوسیله عامل میزان مشارکت در عرصه های عمومی تبیین می شود. در واقع، مشارکت افراد در عرصه های عمومی از طریق ارائه نظرات، پیشنهادات، انتقادات به نهادهای اجتماعی، چون؛ مدارس، دانشگاه ها، شهرداری، صدا و سیما، نیروی انتظامی، موسسات محلی و ... یا مشارکت عملی در فعالیت هایی همانند؛ سخنرانی ها، مجامع، راهپیمایی ها و ... می تواند راهگشای توسعه و رشد میزان افکار و آگاهی افراد در خصوص حقوق شهروندی گردد. اگرچه نتایج توصیفی این فرضیه بیانگر عدم مشارکت فعال افراد در عرصه های اجتماعی بوده است و این هم نیز خود به خود بر میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی موثر بوده است. با این حال، توسعه

فرایند مشارکتی افراد با توسعه آگاهی‌ها رابطه متقابل دارد، که نباید مورد بی‌غفلی قرار گیرد. از دیگر سو، نتایج فرضیه حاضر، با دیدگاه و آراء صاحب‌نظران اجتماعی نیز همخوانی دارد. به دیگر سخن، یافته‌های این فرضیه با آراء صاحب‌نظرانی همچون؛ هابرماس در خصوص گفت‌وگو و مفاهیم در کنش ارتباطی جامعه که فرایند آگاهی‌های افراد در مشارکت جامعه مدنی را فراهم می‌کند و نیز گستره همگانی یا فضای اظهار نظر آزاد، مکالمه، بحث و کنش‌های فردی در محل‌هایی همانند محل کار، دانشگاه، مدارس و ... که بیانگر بخش‌هایی از عرصه‌های عمومی جهت مشارکت افراد محسوب می‌شوند، تطابق دارد. همچنین، با دیدگاه فریدلند، در خصوص اینکه، میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تابع میزان مشارکت اجتماعی آنان در عرصه‌های عمومی است همخوان می‌باشد.

یافته‌های فرضیه شماره چهار

فرضیه شماره چهار تحت این عنوان تدوین شده است که «میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تابع میزان طبقه اجتماعی آنان است».

جدول ۴: بررسی رابطه بین طبقه اجتماعی افراد با میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

متغیر وابسته	متغیر مستقل
میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	طبقه اجتماعی
$r = 0/886$ $P = 0/000$ $n = 368$ $r^2 = 0/784$	

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، ضریب همبستگی بین میزان طبقه اجتماعی افراد با میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی در سطح خطای $P \leq 0/01$ معنی دار است. میزان رابطه بین دو متغیر طبقه اجتماعی و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی $r = 0/886$ که بیانگر وجود همبستگی زیاد و مستقیم بین دو متغیر مذکور می‌باشد. همچنین، ضریب تعیین نشان می‌دهد

که ۷۸٪ از نمرات مربوط به میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوسیله عامل میزان طبقه اجتماعی تبیین می‌شود. یافته‌های آماری در خصوص این فرضیه بیانگر این است که هرچه طبقه اجتماعی افراد پائین‌تر باشد، میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی نیز بیشتر بوده است. طبقه اجتماعی دو مشخصه عمده شامل؛ امور مادی و اجتماعی افراد داشته که در مؤلفه‌هایی نظیر؛ میزان درآمد، مسکن، میزان پس‌انداز، وسایل زندگی، اتومبیل، تفریح و مسافرت، شغل، معرفیت خانوادگی، تحصیلات و محل سکونت اندازه‌گیری شده است، که بر اساس یافته‌ها، هرچه مجموع نمره افراد در خصوص مؤلفه‌های نامبرده افزایش یافته است، بر میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی نیز افزوده شده است و برعکس آن نیز صادق می‌باشد. از سوی دیگر، نتایج فرضیه حاضر با رهیافت‌های نظری پژوهش از جمله با دیدگاه‌های لیبرالیستی دال بر اینکه وجود نتایج و امکانات می‌تواند در توانمندی (آگاهی) افراد موثر واقع شود و توسعه ساختارها و نهادها رشد حقوق شهروندی را بدنبال دارد، مطابق است. از جمله نظریه پردازان لیبرالی که معتقد به افکار ارائه شده در خصوص حقوق شهروندی است، مارشال می‌باشد.

یافته‌های فرضیه شماره پنج

فرضیه شماره پنج تحت این عنوان تدوین شده است که «میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تابع جنس آنان است» نتایج موجود در جدول ذیل به بررسی این روابط آماری مبادرت می‌کند:

جدول ۵: بررسی میزان رابطه بین جنس افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	متغیر وابسته متغیر مستقل
$f = 1/80$ $sig = 0/158$ $Eta = 0/100$ $Eta^2 = 0/010$	جنس

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، f مشاهده شده در سطح خطای $P \leq 0/05$ معنی دار نبوده است. بنابراین، بین جنس افراد و میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی رابطه معنی داری مشاهده نمی شود. بر اساس F_{Eta^2} که با r^2 (ضریب تعیین) این مسأله را به ذهن متبادر می کند ۱٪ از نمرات افراد در خصوص میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوسیله عامل جنس (زن و مرد) تعیین می شود. به عبارت دیگر، در ۱٪ موارد، واریانس نمرات افراد از میزان آگاهی از حقوق شهروندی با نمرات جنس های مختلف (زن و مرد) دارای اشتراک است.

بر اساس یافته های مذکور، جنسیت پاسخ گویان با میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی رابطه ای نداشته است. در واقع، زنان و مردان جامعه آماری از لحاظ میزان آگاهی از حقوق شهروندی در ابعاد مختلف مدنی، سیاسی و اجتماعی آن با یکدیگر تفاوت قابل ملاحظه ای نداشته اند.

یافته های فرضیه شماره شش

فرضیه شماره شش با این عنوان تدوین شده است «میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تابع سن آنان است».

نتایج موجود در جدول زیر به بررسی این روابط آماری مبادرت می کند:

جدول ۶: بررسی میزان رابطه بین سن افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

متغیر وابسته	متغیر مستقل
میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	سن
$r = 0/034$	
$p = 0/012$	
$n = 0/368$	
$r^2 = 0/001$	

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، p مشاهده شده در سطح خطای $P \leq 0/01$ معنی دار نبوده است. بر اساس η^2 که با r^2 (ضریب تعیین) یک مفهوم را به ذهن متبادر می‌کند، $0/01$ از نمرات افراد در خصوص میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوسیله عامل سن تعیین می‌شود.

مطابق یافته‌های آماری و پژوهش مذکور، سن پاسخ گویان با میزان آگاهی آنها از حقوق شهروندی رابطه و تفاوت قابل ملاحظه‌ای نداشته است. یعنی افراد در سنن بین ۲۰-۱۵ سال، ۳۰-۲۱ سال، ۴۰-۳۱ سال، ۵۰-۴۱ سال، ۶۰-۵۱ و ۶۱ به بالا از جهت میزان آگاهی از حقوق شهروندی با کدیگر تقریباً مشابه بوده‌اند.

یافته‌های فرضیه شماره هفت

فرضیه شماره هفت با این عنوان تدوین شده است که «میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تابع تحصیلات آنان است».

نتایج موجود در جدول ذیل به بررسی این روابط آماری مبادرت می‌کند:

جدول ۷: بررسی میزان رابطه بین تحصیلات افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	متغیر وابسته
$f = 37/165$ $sig = 0/000$ $\eta^2 = 0/618$ $\eta^2 = 0/382$	متغیر مستقل تحصیلات

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، f مشاهده شده در سطح خطای $P \leq 0/05$ معنی دار بوده است. به عبارت دیگر، میزان آگاهی از حقوق شهروندی تابعی از افزایش سطوح تحصیلی مختلف بوده است. بر اساس η^2 که با r^2 (ضریب تعیین) یک مفهوم را به ذهن متبادر

می‌کند، ۳۸٪ از نمرات افراد در خصوص میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوسیله عامل تحصیلات تعیین می‌شود.

بر اساس این یافته‌های آماری هرچه بر میزان تحصیلات رسمی افراد جامعه آماری افزوده شده است، میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی نیز افزایش یافته است. به دیگر سخن، افرادی که در سطوح تحصیلی پائین نظیر؛ پنجم ابتدایی، سیکل یا حتی بیسواد قرار داشته‌اند، نسبت به کسانی که در سطوح تحصیلی دیپلم، فوق دیپلم، فوق لیسانس و بالاتر قرار داشته‌اند، از میزان آگاهی کمتری در خصوص حقوق شهروندی برخوردار بوده‌اند. از سوی دیگر، نتایج این پژوهش در خصوص فرضیه حاضر با دیدگاه، اندیشمندانی نظیر؛ رابرت دال، مبتنی بر مؤلفه‌هایی که در جامعه مدنی از عناصر ارتقای شهروندی محسوب شده و باید اشخاص بالغ از آن بهره‌مند گردند، مطابقت دارد. یکی از مهمترین مؤلفه‌های جوامع مدنی در خصوص حقوق شهروندی «آموزش» در سطوح رسمی و غیر رسمی است که در کنار سایر مؤلفه‌ها نقشی موثر در روند توسعه حقوق شهروندی را عهده‌دار است.

یافته‌های فرضیه هشت

فرضیه شماره هشت با این عنوان تدوین شده است که «میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی تابع شغل آنان است».

نتایج موجود در جدول ذیل به بررسی این روابط آماری مبادرت می‌کند:

جدول ۸: بررسی میزان رابطه بین شغل افراد و میزان آگاهی آنان از حقوق شهروندی

میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی	متغیر وابسته
	متغیر مستقل
$f = 7/98$ $sig = 0/000$ $Eta = 0/248$ $Eta^2 = 0/062$	شغل

بر اساس اطلاعات مندرج در جدول فوق، f مشاهده شده در سطح خطای $P \leq 0/05$ معنی دار بوده است. بر اساس Eta^2 که با r^2 (ضریب تعیین) یک مفهوم را به ذهن متبادر می‌کند، ۰/۰۶٪ از نمرات افراد در خصوص میزان آگاهی از حقوق شهروندی بوسیله عامل شغل تبیین می‌شود. این یافته‌ها، با دیدگاه‌های لیبرالیستی در خصوص تأثیر منابع و امکانات، که شغل نیز یکی از آنها محسوب می‌شود با میزان توانایی و آگاهی‌های افراد در خصوص حقوق شهروندی، تطابق دارد. دیدگاهی که مارشال از معروفترین جامعه‌شناسان حقوق شهروندی با آن موافق است.

بررسی آماری داده‌های پژوهش در خصوص مجموع فرضیه‌ها (یافته‌های عمومی)
در قسمتی دیگر از ارائه یافته‌های پژوهش، به نتایج عمومی مربوط به کلیه فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود. به منظور حصول این یافته‌ها از روش‌های آمار استنباطی شامل؛ رگرسیون ساده، رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر استفاده شده است.

رگرسیون متغیرهای مستقل	رابطه	تعیین ضریب	انحراف معیار	R^2 تغییرات	مقادیر سطح	F	مقادیر سطح	B	انحراف معیار	Beta	T	Sig
جنس	۰/۷۱	۰/۰۱۰	۶/۸۱	۰/۰۱۰	۰/۶۱	۳/۵۲	۰/۶۱	۱/۳۲	۰/۸۰۶	۰/۰۹۸	۱/۸۷	۰/۰۶۱
سن	۰/۰۲۴	۰/۰۰۰	۶/۷۸	۰/۰۰۰	۰/۵۱	۰/۴۷	۰/۵۱	۰/۱۵۸	۰/۳۲	۰/۰۳۳	۰/۸۵	۰/۵۱
تحصیلات	۰/۵۵	۰/۳۴	۵/۵	۰/۳۴	۰/۰۰۰	۱۷۱	۰/۰	۲/۲۲	۰/۱۶	۰/۵۸۲	۱۳/۸۵	۰/۰۰۰
شغل	۰/۱۳	۰/۰۱	۶/۸۶	۰/۰۱	۰/۰۱	۶/۸۳	۰/۰۱	۰/۰۸۴	۰/۳۲	۰/۱۳۳	۰/۵۹	۰/۰۱
آموزش‌های اجتماعی	۰/۷۵	۰/۳۳	۲/۵۸	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۱۳۷	۰/۰۰۰	۰/۵۳	۰/۰۱	۰/۵۵۲	۳۱/۰	۰/۰۰۰
میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی	۰/۷۵	۰/۳۳	۲/۵۳	۰/۳۳	۰/۰۰۰	۱۰۱	۰/۰۰۰	۰/۵۵	۰/۰۱	۰/۸۵۷	۳۱/۰	۰/۰۰۰
میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی	۰/۸۷	۰/۷۰	۳/۳۴	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۱۱۱/۱۱	۰/۰۰۰	۰/۵۵	۰/۰۱	۰/۸۷۳	۳۲/۲	۰/۰۰۰
طبقه اجتماعی	۰/۷۰	۰/۷۰	۷/۸	۰/۷۰	۰/۰۰۰	۱۳۰/۸	۰/۰۰۰	۰/۵۱	۰/۰۱	۰/۸۷۳	۳۷/۲	۰/۰۰۰

بر اساس اطلاعات موجود در جدول فوق، اگر هر یک از متغیرهای مستقل پژوهش (موارد موجود در ستون متغیر) رابطه جداگانه با میزان آگاهی از حقوق شهروندی به عنوان رگرسیون ساده (یک متغیر مستقل با یک متغیر وابسته) مورد تحلیل قرار دهیم، به این نتایج دسترسی خواهیم یافت: در این صورت، f مشاهده شده در خصوص دو متغیر جنس و سن (متغیرهای مستقل) با میزان آگاهی از حقوق شهروندی (متغیر مستقل) در سطح خطای $P \leq 0/05$ معنی دار نیست. بر اساس Beta میزان مداخله و ارتباط هر یک از متغیرهای مذکور در تبیین نمرات میزان آگاهی از حقوق شهروندی به ترتیب $0/098$ و $0/034$ می باشد. در حالیکه f مشاهده شده در خصوص بقیه متغیرهای مستقل پژوهش؛ تحصیلات، شغل، آموزش‌های اجتماعی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی و طبقه اجتماعی در سطح خطای $P \leq 0/05$ با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی دارای رابطه معنی دار است. میزان Beta برای هر یک از متغیرهای مذکور که بدون حضور سایر متغیرهای دیگر حاصل شده است، به ترتیب عبارت است از: $0/058$ و $0/113$ و $0/799$ و $0/185$ و $0/185$ و $0/87$ و $0/88$ می باشد. که در این صورت می توان گفت: اگر هر یک از متغیرهای مستقل معنی دار با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی را در یک تحلیل رگرسیونی ساده قرار دهیم، بر اساس میزان بتای حاصل شده، هر یک از متغیرهای مستقل بدون حضور سایر متغیرها درجه ای از اهمیت در تبیین نمرات افراد از میزان آگاهی حقوق شهروندی کسب می کنند، که در این صورت بر اساس میزان بتای مندرج در توضیحات فوق درجه اهمیت متغیرهای مذکور به ترتیب ذیل پیش بینی شده است:

طبقه اجتماعی، میزان مشارکت در عرصه های عمومی، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی، میزان آموزش‌های اجتماعی، تحصیلات و شغل مدل مسیر ذیل بیانگر برخی از روابط غیر مستقیم متغیرها است.

نتیجه گیری

نتایج توصیفی پژوهش بیانگر عدم گسترش آموزش‌های اجتماعی (آموزش های غیر رسمی، تبلیغات سازمانی)، میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و میزان مشارکت در عرصه‌های عمومی است. این‌ها عواملی هستند که در کنار عواملی دیگر نظیر؛ طبقه اجتماعی،

تحصیلات و شغل با میزان آگاهی افراد از حقوق شهروندی در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی رابطه معنی دار داشته‌اند. در این صورت باید گفت: مسئله‌ای که پژوهش بدنبال پاسخگوئی به آن بوده است، بدین گونه پاسخ داده می‌شود که «این واقعیت است که آگاهی از حقوق شهروندی در ابعاد مختلفش در سطح مناسبی نیست». اما در کنار این واقعیت باید در جستجوی عواملی بود که با این مقوله ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم داشته باشند و اینک از ارتباط بالای پارامترهای آموزش‌های اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مشارکت در عرصه‌های عمومی، طبقه اجتماعی، تحصیلات و تاحدی شغل با میزان آگاهی از حقوق شهروندی به میان می‌آید. به طور یقین می‌توان گفت؛ فراهم شدن شرایط و زمینه‌های اجتماعی - محیطی لازم جهت توسعه هر یک از متغیرهای مذکور می‌تواند راه توسعه آگاهی از حقوق شهروندی به عنوان اولین نقطه و مبدا آغاز خواسته‌های اجتماعی را فراهم کند. نقطه‌ای که در صورت تداوم آن منجر به دخالت فعال، پویا و مداوم شهروندان در امور مدنی، سیاسی، اجتماعی خویش شده و نتیجه آن توسعه اصول انسانی جامعه از یک سو و توسعه فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی آن از سوی دیگر خواهد بود. در واقع، مادامی که اجتماع بشری در هر یک از متغیرهای مورد اشاره به حد متناسبی دست نیابد، سخن گفتن از رشد آگاهی‌های افراد در اصول شهروندی حرفی گزاف خواهد بود. به دیگر سخن، اگر یکصد سال از آغاز مشروطیت به عنوان انقلابی که اهداف اساسی آن دستیابی ملت به حقوق شهروندی خویش بوده است، گذشته و هنوز دسترسی شهروندان به حقوق خویش در ابعاد سیاسی، مدنی، اجتماعی و ... به منصفه ظهور نرسیده است، نباید چندان تعجب نمود. زیرا آنچه می‌تواند، منشأ آگاهی اجتماعی افراد به عنوان مبدا آغازین درخواست‌های اجتماعی را فراهم کند، خود افراد مهیا نکرده‌اند و یا حاکمیت آنها در این راستا، گام نهاده است.

بنابراین، شرط اساسی رشد و توسعه آگاهی‌های اجتماعی از حقوق شهروندی توجه به پیش زمینه‌های اولیه یعنی آموزش‌های اجتماعی، استفاده از وسایل ارتباط جمعی، مشارکت در عرصه‌های عمومی، توسعه امکانات و منابع (طبقه اجتماعی، شغل) و افزایش آموزش‌های رسمی (تحصیلات) می‌باشد. در این صورت با توسعه آگاهی اجتماعی از حقوق شهروندی افراد در حفظ و صیانت از حقوق خویش گام نهاده و جامعه

را به راهی هدایت می‌کنند که اصول انسانی را به عنوان پیش در آمد توسعه اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی فراهم خواهد نمود.

راهکارهای اجرایی

به منظور کسب نتایج پژوهش، برخی از راهکارهای اجرایی آن، مورد تبیین قرار می‌گیرد که شامل موارد ذیل هستند:

- ۱- توجه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و خصوصی به رشد و توسعه افکار و آگاهی افراد از حقوق شهروندی از طریق التفات به امر تبلیغات و آموزش‌های غیر رسمی، مورد تأکید قرار می‌گیرد. در این صورت نقش سازمان‌هایی همانند، صدا و سیما، آموزش و پرورش، شهرداری، اتوبوسرانی، نیروی انتظامی، شورای شهر، خانواده، موسسات غیر دولتی (NGO) در توجه به آموزش‌های غیر رسمی از طریق روش‌های مختلف تبلیغاتی و توجه دادن شهروندان به حقوق اساسی‌شان در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی پیشنهاد می‌شود.
- ۲- به منظور گسترش افکار و اندیشه‌های افراد از اصول حقوق شهروندی، رفع موانع احتمالی در استفاده صحیح و مناسب افراد از وسایلی نظیر؛ رادیوها، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، سینما، روزنامه، کتب، مجلات، عکس و تصاویر ضروری به نظر می‌رسد. در حال حاضر، به استثنای رادیوهای داخلی و تلویزیون استفاده از وسایل ارتباط جمعی فوق الذکر با موانع و مشکلاتی مواجه است، که این موانع دسترسی آسان و بی‌دغدغه به آنها را توأم بانگرانی‌هایی می‌نماید. موانعی نظیر؛ عدم دسترسی به سایت‌های اینترنتی، گرانی کتب، روزنامه‌ها و ... از جمله این موانع است.
- ۳- مداخله دادن شهروندان در تصمیم‌گیری‌ها، اجرای اقدامات، نتایج، ارزیابی و نظارت بر تصمیمات از طریق دریافت پیشنهادات، نظرات، انتقادات و نیز مشارکت دادن عملی شهروندان در اداره امور اجتماعی توسط سازمان‌هایی نظیر صدا و سیما، مدارس، دانشگاه‌ها، شهرداری، نیروی انتظامی، مؤسسات محلی، موسسات غیردولتی و ... یا جلب همکاری و مداخله افراد در اموری همانند، سخنرانی‌ها، مجامع، انتخابات و ... پیشنهاد می‌شود.

- ۴- تناسب آموزش‌های اجتماعی و غیررسمی با سطوح طبقات اجتماعی مختلف ضروری به نظر می‌رسد.
- ۵- به منظور برخورداری همه اقشار و گروه‌های اجتماعی از اصول حقوق شهروندی، توجه سازمان‌های اجتماعی دولتی و خصوصی به اصول حقوقی مربوط به زنان و مردان، کودکان، سالمندان و... در ابعاد مدنی، سیاسی و اجتماعی ضروری است.
- ۶- توجه سازمان‌های تبلیغی، شهرداری شورای شهر و... به آموزش‌های غیر رسمی برای سنین مختلف اجتماعی گروه‌های کودک و نوجوانان، جوانان، میان سالان و کهنسالان توصیه می‌گردد.
- ۷- توجه نهادهای آموزشی (دانشگاه‌ها و مدارس) به استفاده از اصول حقوق شهروندی در کتب، مقالات و کلاس‌های درس ضروری به نظر می‌رسد. انجام پژوهش‌ها و نیز در این خصوص حائز اهمیت می‌باشد.
- ۸- گسترش اصول حقوق شهروندی در تمامی مشاغل اجتماعی که این مهم از طریق اقدامات سازمان‌های اجتماعی (شهرداری، استانداری، شورای شهر، صدا و سیما، آموزش و پرورش و.....) قابل دسترسی خواهد بود.

منابع

- ۱- آرون، ریمون، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۱.
- ۲- پولادی، کمال، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب، جلد دوم، نشر مرکز، تهران، ۱۳۸۲.
- ۳- پیران، پرویز، دیدگاه نظری جامعه‌شناسی شهر و شهروندی، مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۴۹، ۱۳۷۰.
- ۴- ترنز، برایان. اس، پیرامون شهر و شهروندی، ترجمه فردین علیخواه، روزنامه همشهری، شماره ۱۴۱۶، ۱۳۷۶.

بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی و ... / ۱۰۵

- ۵- دیویدسون، آلیستر، کاستلز، استفن، **شهروندی و مهاجرت**، فرامرز تقی لو، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، ۱۳۸۲.
- ۶- شیانی، ملیحه، **تحلیلی جامعه شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان**، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم شماره ۳، ۱۳۸۱.
- ۷- صنایعی، محمود، **آزادی فرد و قدرت دولت**، نشر هرمس، تهران، ۱۳۷۹.
- ۸- فالکس، کیث، **شهروندی**، ترجمه محمد تقی دلفروز، نشر کویر، تهران، ۱۳۸۱.
- ۹- فیلیو جرگ، بنت، **جامعه مدنی از چند نگاره**، رضا استاد رحیمی، همشهری، ۱۳۷۰.
- ۱۰- فرید لند، لوئیس. ای، **دموکراسی الکترونیکی و حقوق شهروندی**، ترجمه: م، ع، سایت اینترنتی آینده نگر، Negar - yankeh .A، ۱۳۸۴.
- ۱۱- فریدمن، جین، **فمینیسم**، فیروزه مهاجر، آشیان، تهران، ۱۳۸۱.
- ۱۲- قاسمی نژاد، بهزاد، **شهروند واقعی**، شهروند آرمانی، روزنامه همشهری، شماره ۱۷۷۰، ۱۳۷۷.
- ۱۳- کیویستو، پتر، **اندیشه های بنیادی در جامعه شناسی**، ترجمه منوچهر صبوری، نشرنی، تهران، ۱۳۷۸.
- ۱۴- منتسکیو، شارل بارون دو، **روح القوانین**، ترجمه علی اکبر مهتدی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۶۲.
- ۱۵- همشهری، **حقوق شهروندی**، جامعه مدنی و جامعه مدرن، شماره ۲۹۴۴، ۱۳۸۱.

16. Capurri, Valentina. (2003). *Italian catholic immigrants in Toronto at the beginning of the twentieth century: A case of religious citizenship (Ontario)*, MAL 42/02, Apr 2004
17. O' Sullivan, Sarah Chloe. (2003). *Redefining the citizen: the construction of a European citizenship*, Dalhousie university (Canada) ، Mal 41/06 , Dec 2003

18. schebley, Bassima. (2004). *Religiuos oppression and women's civil riyhts: the effects of Islamic resurgence on muslim lebanese women's freedom*, the university of utah, DAL)A 65/02, Aug 2004.
19. Scott, Thomas Jeffrey. (2003). *Basic human needs , human rights , and human development*, state university of New York at Buffalo, DAL) A 64/05.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی